

- » چراسراب تابع استان اردبیل نشد؟
- » نقاشی برای من یک لذت است
- » مرحوم زنده یاد اسماعیل محمودی
- » حرف شما

مردم

کلید واژه توسعه شهرستان



جواد عباس زاده
مدیر مسئول نشریه زمستان سراب

نه می توان تعارف کرد و نه پرده پوشی، وضع شهرستان سراب چندان خوب نیست، مردم نگران آینده شهرشان هستند بیشتر شان وقتی به هم می رسند با نگرانی از یکدیگر می پرسند به نظرت چه خواهد شد؟

همراهی با آهنگ توسعه شهر فراهم شده و باید از این فرصت طلائی استفاده مطلوبی به عمل آید.

مردم باید خود آستین‌ها خود را بالا بزنند و شهر خود را آباد کنند، امروز سراب مغزها و نخبان بسیاری در اقصی نقاط عالم دارد ما باید نه در جغرافیای سراب که پیشرفت و تعالی شهرمان را در دوردست‌ها نیز به نظاره بنشینیم سرمایه‌های انسانی بزرگترین ظرفیت برای توسعه این شهر هستند، نباید فقط توسعه شهر را در ابزارهای فیزیکی، لودرها و بولدوزرها و جرثقیل‌ها خلاصه کرد نباید برای پیشرفت شهر تنها چشم به کارخانه‌ای دوخت که ۲۰ سال است وعده‌های خسته کننده آن افکار عمومی را دل زده کرده است، باید به سرمایه‌های اجتماعی و انسانی این شهر بها داد، باید دست به سوی کمک همه سرابی‌ها در تمام عالم فارغ از هرگونه گرایش‌ها و وابستگی‌ها دراز کرد تا آهنگ کند توسعه شهر شتاب گیرد، باید چشم تنگی‌ها و حرف‌های خاله زنگی را کنار نهاد و با عزمی راسخ و اراده آهنین برای توسعه این شهر کوشید.

هر چند وضعیت کنونی رضایت بخش نیست ولی هنوز هم دیر نشده و می توان اشتباهات را اصلاح کرد، سیاست‌ها و افراد مانع را کنار گذاشت، سوء تفاهم‌ها را بر طرف و "تطابق خواست‌های مردم و مدیران ارشد شهرستان" را برقرار کرد.

قابل توجهی از این غفلت‌ها به ما برمی گردد به مردم به آنهایی که باید برای شکوفایی و تعالی شهرشان بکوشند، آیا باید دست روی دست گذاشت و عقب ماندن این شهر از قافله توسعه نسبت به شهرهای همجوار و یا مشابه را نظاره کرد، آیا باید هر روز در این شهر شاهد مهاجرت‌های بی رویه خانواده‌ها به سوی کلانشهرها شد آیا باید خانواده‌های سرابی باید راهی کلانشهر شوند تا نیازهای اساسی و اولیه خود را برآورده کند واقعاً چه باید کرد؟

حق شهر تاریخی و پرسن و سال سراب این نیست. درالمان‌های شهری جز برج میلاد چه داریم؟ تاجیار که می تواند نماد زیبایی و محیطی برای روح نوازی و زنگ تفریح مردم باشد به لطف رفتارهای غیر مدنی برخی شهروندان به زباله گاه تبدیل شده است.

پاسخ این همه سؤال را جز در یک چیز نمی توان دانست و آن بازگشت مردم به شهرشان است، البته نه اینکه از فردا مهاجرت‌های معکوس را تبلیغ کنیم و کوچ کنندگان از شهر را به چشم دشمنان توسعه و پیشرفت بنگریم بلکه منظور ما بازگشت مردم به شهرشان نه از لحاظ جغرافیا بلکه از لحاظ همدل شدن و هم ذات پنداری با ساکنان شهر است،

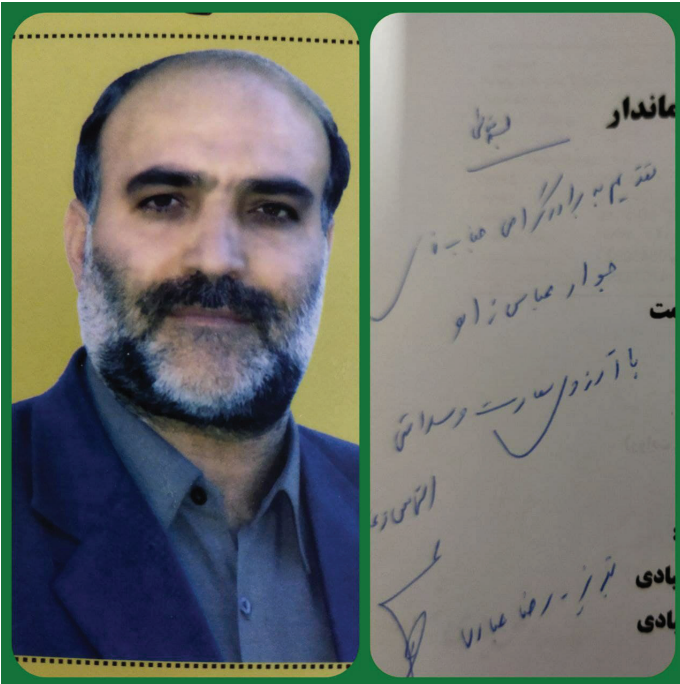
"سرمایه انسانی بزرگترین برگ برنده پیشرفت این شهرستان است، به لطف عصر ارتباطات و گسترش شبکه‌های اجتماعی امکان گردهمائی‌های مجازی برای سرابی‌های اقصی نقاط عالم برای همفکری و

هر پنج سال یکبار که امارگیری نفوس انجام می شود برخلاف رویه معمول رشد و افزایش جمعیت را شاهد نیستیم، بلکه شاهد سیر نزولی جمعیت این شهر هستیم. بسیاری در تدارک مهاجرت به کلانشهرها هستند و بیش از آن‌ها بسیاری دیگر در حسرت رفتن، هیچ خانواده‌ای مطمئن نیست که فرزندان پرورش یافته و به بلوغ رسیده شان ماندگار شوند؛ چرا که زمینه اشتغال برای رشته‌های مختلف دانشگاهی و غیردانشگاهی فراهم نیست. به جرات می توان گفت ناامیدی فصل مشترک بسیاری از خانواده‌های این شهر است.

البته قصد دامن زدن به این ناامیدی‌ها را نداریم و مهمترین اولویت و مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها را پمپاژ امید و نشاط و امیدبخشیدن می دانیم و عهد داریم که چنین باشیم اما واقعیت‌ها را نمی توان کتمان کرد.

بسیاری دورنمایی برای وضع مطلوب ندارند، و تنها راه را؛ گریز از جغرافیای شهر و بعضاً قطع کامل علایق و ارتباط با زادگاهشان می دانند.

خلاصه می کنم سراب نیازمند توجه است و سراب خسته از غفلت‌ها و بی توجهی‌ها، بی تعارف باید گفت که نباید هر جا سخن از غفلت‌ها و بی توجهی‌هاست بلافاصله انگشت اتهام را به سمت مسئولان و مدیران نشانه گرفت بلکه بخش



برگرفته از خاطرات رضا عبادی فرماندار دهه ۷۰ سراب

چراسراب تابع استان اردبیل

نشد؟

من اول دی ماه سال ۷۱ در سراب آغاز به کار کردم شهر سراب در جلگه ای وسیع و پر آب مانند کاسه ای صاف در دامنه کوههای زیبای سیلان بزقوش بر سر راه تبریز به اردبیل آرمیده است

پیشتر در سال ۱۳۶۴ بخشدار مرکزی بودم با این شهرستان آشنایی داشتم این آشنایی پس از دوره ای چندین ساله و کسب تجربه از لحاظ روانی خوشایندی خاص خود را داشت فارغ از اینکه جابجایی محل کارم در سرمای سوزناک زمستان مشکلات مخصوص به خود را هم داشت آغاز به کار و به دست گرفتن امورات و مطالعه آمار اطلاعات و امکانات و مشکلات و نیازهای شهرستان روشهای متداول این مسئولیت است

لذا دومین روز آغاز به کار با شورای تامین آغاز کردم آقایان سلطانیپور رئیس دفتر سیاسی و کوشنقی رئیس حراست فرمانداری آمدند و گفتند در شهر تشنج و احتمال تجمعاتی می رود.

موضوع از این قرار بود که در وزارت کشور و مجلس شورای اسلامی طرح تقسیمات کشوری و انتزاع اردبیل از آذربایجان شرقی مطرح بود آقای غریبانی



تخریب راهگشا/سراب انتهای خ شهیدان علوی

TEXT

درانتهای خیابان شهیدان علوی خانه ای تخریب شد البته این تخریب درجهت گشودن و تعریض خیابان علوی درنقطه اتصال با تاجیار می باشد.

آیت الله از این توضیح من ابراز خوشنودی نمود و سوال کردند که مهمانان شما از مجلس آمدند گفتند اینجا هستند و هیچ چیز دیگری نگفت

من هم کار می کردم تا اطلاعات لازم در اختیار آنها قرار گیرد به آنها پیشنهاد کردم اعضای هیئت در چند گروه به میان مردم بروند و از آنها سوال کنند زیرا برای سرنوشت آنها تصمیم گیری می شود مردم مصالح خود را خوب می دانستند آقای ساوجی از این پیشنهاد استقبال کرد و با دسته بندی اعضای هیئت به بازار و اماکن عمومی رفتند با تعدادی از مردم صحبت کردند و من سعی کردم آنان در مواجهه با مردم یک سوویه مواجه نشوند آقای ساوجی هنگام ترک سرا به من گفت عامه مردم سراب علائق جدا شدن از تبریز ندارند در آغاز ماموریت آقای مراثی بخشدار مرکزی در جمع بندی مسائل شهرستان همراهی های اولیه لازم را نمود مسئولان شهرستان با اشتیاق از من است استقبال کردند حجت الاسلام آقای حاج عباس حاج عباس کمالی امام جمعه سراب بود که تقریباً از نخستین سالهای انقلاب منصب امامت جمعه شهر را برعهده داشت و مورد احترام بود و اصالتاً از روستای میاب مرند بودند عمده جمعیت ۱۴۰ هزار نفری سراب در روستاها ساکن بودند واز جمله مهاجرپرست ترین در این مناطق آذربایجان بودند

منبع درآمد هم مردم از محل کشاورزی و دامداری بود

نماینده اردبیل برای تامین جمعیت استان اردبیل و توسعه آن قصد داشت با جلب نظر مردم؛ سراب را از آذربایجان شرقی منتزع و به اردبیل برای استان شدن الحاق نماید در این جریان آقای مهندس روح بخش نماینده سراب هم مخالفتی نداشت با تشکیل جلسه شورای تامین مسائل و تبعات و حواشی موضوع مورد بررسی قرار گرفت.

عصر همان روز مهندس بادامچی معاون سیاسی استانداری با من تماس گرفت و گفت فردا هیئتی از مجلس خواهد آمد فردا ظهر مرحوم آقای موحدی ساوجی رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در راس هیئتی از کارشناسان برای بررسی موضوع به سراب آمدند

ساعت ۲ همین روز آیت الله ملکوتی نماینده ولی فقیه و امام جمعه تبریز به من زنگ زد و پس از احوالپرسی اولیه فرمودند آقای فرماندار من یک سوال از شما دارم عرض کردم بفرمایید فرمودند به نظر شما سرابین آخری هارادی؟ یعنی تمایل طبیعت سراب به کدام سو می باشد منظور آیت الله این بود که گرایش و تمایلات فرهنگی طبیعی و تاریخی شهر سراب به کدام طرف است او با این جمله استعاری؛ حقیقتی را مطرح می کرد و هم موضع خودش را ابراز می نمود گفتم حاج آقا تا آنجا که می دانم سراب در دامنه سلسله جبال بلند سیلان واقع است و همه آب های سیلان از ضلع شمالی دشت سراب از تبریز به دریاچه ارومیه سرازیر می شود.



پریسا فتاح پور ازاد سراب

گپ و گفت با

با یک هنرمند سراب

نقاشی برای من یک لذت است

خانم سعیده لطفی یکی از هنرمندان برجسته و توانای شهرستان سراب است که در زمینه نقاشی و طراحی فعالیت می کند، در راستای احترام و تکریم سرمایه های اجتماعی و انسانی و معرفی این چهره های هنری گفت وگویی ترتیب دهیم تا مردم شهر هم بیشتر در مورد کار و فعالیت های ایشان آشنا شوند.

+++ خانم لطفی چه شد که به هنر نقاشی روی آوردید؟

- بنده از دوران کودکی علاقه خاصی به نقاشی داشتم، حتی زمانی که در مقطع راهنمایی بودم اوقات فراغت تابستانی خودم را با شرکت در کلاس های نقاشی در شهر تهران پر می کردم. ولی از سن بیست سالگی بصورت جدی در حضور استاد بزرگوار جناب آقای بهاری یادگیری نقاشی را شروع کردم.

+++ چه شد که تصمیم به تاسیس آموزشگاه و آموزش این هنر را گرفتید؟

وقتی آقای بهاری علاقه و استعداد مرا در این زمینه دیدنتشویقم کردند تا آموزش را شروع کنم، لذا برای یادگیری هر چه بهتر این رشته در کلاس های استاد اقبالی در شهر تبریز شرکت کردم و سپس تصمیم به تاسیس آموزشگاه گرفتم.

اولین نمایشگاه خود را در چه سالی برگزار کردید؟
در سال ۹۰ اولین و با شکوه ترین نمایشگاه را با دعوت تمامی مسئولین شهر برگزار نمودم که با استقبال خوبی روبرو شد.

همچنین در تمامی نمایشگاههای گروهی شهر، مسابقات هنری تمامی مناسبت ها مثل برنامه های روز قدس و ... به همراه تمامی هنرجویانم شرکت داشته ام.

در کتاب خانه عمومی شهر سراب فعالیت داشتم و در آنجا نمایشگاهی هم برگزار نمودم، همچنین در نمایشگاه های استانی و پایتخت نیز حضور فعال داشته ام و دارای لوح تقدیر ها لوح سپاس های فراوانی هستم که به یادگار نگه داشته ام.

الان در چه زمینه هایی مشغول آموزش هستید؟ رشته ها و تکنیک هایی که بیشتر در آن فعالیت دارم طراحی عمومی و طراحی چهره، سیاه قلم، رنگ روغن، اکریلیک، آبرنگ، گواش، پاستل و مداد زنگی و امروزه نقاشی مدرن کار با تکسچر و ورق طلا می باشد. که این آموزش برای خواهران محدودیت سنی ندارد اما برای پسران تا ۱۲ سال آموزش داریم.

+++ در چه سالی موفق به تاسیس آموزشگاه شدید؟
- از آنجا که در شهر ما افراد علاقه مند به این هنر زیاد بود سختی های این راه را به جان خریدم، در ابتدا دوره های لازم و مربوط به مربیگری را در تبریز سپری کردم و در آزمون پدagoژی قبول شدم، همچنین دوره های مدیریت و ICDL را هم گذراندم، اما چون مدرک مرتبط با هنر نداشتم از سال ۸۲ طی چندین سال در مدارس غیر انتفاعی و کانون های بسیج مشغول تدریس شدم و با این چند سال سابقه توانستم مدرک مربیگری را دریافت کنم سپس از سوی سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی موفق به اخذ دیپلم طراحی عمومی و طراحی چهره شدم.

از سال ۸۷ به صورت قانونی و رسمی اقدام به تاسیس آموزشگاه نمودم تا اینکه در سال ۹۰ موفق به بازگشایی آن زیر نظر سازمان فنی و حرفه ای کشور شدم، که الان هم به تمامی هنر جویان پس از گذراندن موفق تمامی دوره ها مدرک فنی و حرفه ای اعطا می کنیم.

+++ رمز موفقیت خود را مدیون چه کسانی هستید؟

- مشوق من در اصل پدر و مادرم بودند که پدرم برای تاسیس آموزشگاه مکان مناسبی در اختیارم گذاشت و مرا تشویق به کاربایی کرد که هر لحظه در کنارم بودند.

از مسئولین شهر چه انتظاراتی دارید؟ در شهر ما علاقه مندان زیادی به هنر نقاشی تا هنر آنها را به عموم مردم نشان دهم. به تنهایی نصف راه را رفته ام اما برای ادامه راه نیازمند یاری و کمک نهادها و سازمان های دولتی هستم. متأسفانه در زلزله اخیر آموزشگاهم آسیب دید و دولت هیچ کمکی برای بازسازی آن به من نکرد.

آرزو دارم یک گالری خوب و آبرومندانه در اختیار داشته باشم تا هم یک نمایشگاه دائمی برپا کنم و هم بتوانم برای کودکان و نوجوانان و جوانان شهرم این هنر را آموزش دهم.





مرحوم زنده یاد اسماعیل محمودی

دبیر فقید زبان انگلیسی



برای معرفی برجستگان و فرهیختگان از دنیا رفته و معرفی آنها در بخش یادها و خاطره ها به شماره واتس اپی ۰۹۳۸۹۱۴۹۷۱۶ پیام بدهید

بنام خالق هستی
قد نسبتاً کوتاهی داشت. موهای طلایی اش همیشه مرتب به پشت سر شانه می شد و فر می خورد. چشمان رنگی متمایل به آبی اش انگار کوچکترین حرکتی را از هر گوشه کلاس زیر نظر داشت. بیشتر از زبان، با چشمانش حرف می زد. چهره ای جذاب داشت. جذابیت چهره اش زمانی زیاد می شد، که با خنده های بلند و کسدارش، حال همه را خوب می کرد. اکثر مواقع کت و شلوار سرمه ای متمایل به سبز برتن داشت. به رنگ پیکان سبز کاهویی اش.

استاد زبان انگلیسی بود. با عشق و علاقه وصف ناپذیری درس می داد. یادم نیامد هنگام درس دادن پشت میز نشسته باشد، بر خلاف خیلی از معلم ها که از اول کلاس تا آخر روی صندلی پشت میز سنگر می گرفتند، او همواره بالای سر دانش آموزان بود و کارهای آنها را زیر نظر داشت. با دست چپ کتاب را به فاصله نیم متر از نگاهش نگه می داشت و با حرکات دست راست با صدای بلند واژه ها را تلفظ می کرد. وقتی به واژه های جدید که رنگی نوشته می شدند می رسید چرخ می زد و روی تخته آن کلمه را می نوشت.

از بچه ها می خواست که ان کلمه را به همراه او تلفظ کنند. بعد با نوک انگشت به گیجگاه خود می زد و می گفت: "توشدی دای پرینه" یعنی جا افتاد؟ هنگام درس دادن، لحظه ای سکوت می کرد و دستانش از حرکت باز می ایستاد. نگاه معنی دارش تمام فضای کلاس را پوشش می داد. همه می فهمیدیم که بعضی از بچه ها حواسشان به درس نبوده. اسم کسی را به زبان نمی آورد. اما هر کسی که حواسش از درس و کلاس پرت شده بود، خود را جمع و جور می کرد. و این سکوت با یک لبخندی که بر لبانش می نشست، پایان می داد. ده دقیقه آخر کلاس، استراحت می داد. اما خودش استراحت نمی کرد. انگار در حین درس دادن و درس پرسیدن، از حالات درونی بچه ها فیلم برداری کرده بود. کسانی که به هر دلیلی حس کنجکاوی اش را بر انگیزته بودند. هنگامی که بچه ها مشغول شیطنت های خودشان بودند. و به اصطلاح کلاس را روی سرشان گرفته بودند. او بالای سر بعضی از بچه ها حاضر می شد و از چگونگی زندگی شخصی او سؤال می کرد، تا در صورت نیاز کمکی به او کرده باشد. این را بعداً که با او رابطه نزدیک پیدا کردم فهمیدم.

حرف شما



افراد و سازمان ها می توانند پاسخ های خود را جهت درج به آیدی ادمین کانال یا شماره واتس اپی ۰۹۳۸۹۱۴۹۷۱۶ ارسال کنند.

موضوع: شیوه نامه اجرایی خرید خدمات آموزشی

سلام علیکم

با احترام و صلوات بر محمد و آل محمد به پیوست شیوه نامه اجرایی خرید خدمات آموزشی، بلاعی وزارت متبوع به شماره ۱۴/۱۶ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۱۶ در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ به منظور اجرای دقیق مفاد شیوه نامه و با تأکید بر موارد ذیل ارسال می گردد.

- 1- خرید خدمات آموزشی با محوریت تامین کار آموزشی (گروه معلم) واجد شرایط برای آموزش فقط طرفیت کافی در مدارس تحت پوشش آن منطقه به منظور پوشش تحصیلی حاکم بر دانش آموزان لازم التعمیر مشخص می باشد و ضروری است طرح خرید خدمات آموزشی بین از ستادهای آموزشی استانی موجود است. پهنای، قراردادی، مشمول قانون تعین تکلیف و به کارگیری (برجستگان) در صورت عدم تعیین تیروری استانی در سلف ساعت و اعتبارات بلاعی (متنهای ابلاغ خواهد گردید) اجرا شود.
- 2- استفاده از نیروهای طرف خدمات آموزشی به منظور مشترک در یک مدرسه دولت مجاز نیست.
- 3- متوجه مدرسه دولتی طرف باید از بین کارکنان رسمی آموزش و پرورش و با رعایت بخشنامه های ابلاغی، انتخاب و منصوب گردند.
- 4- منع تعین کارکنان دولت از شرکت در مسافرت و عدم شمول لایحه قانونی منع معامله کارکنان دولتی نسبت به شرکت طرف قرارداد در اجراء صلاحیت موسسات آموزشی بخش خصوصی و تعاونی رعایت شود.
- 5- در مسافرت های تیروری آموزشی صورت پذیرد و نیاز به تأیید طرف نظیر به کارگزار، دارا بودن حداقل مدرک کارشناسی مطابق با طرح طبقه بندی مشاغل و اجتناب از به کارگیری برجستگان و تیروری استانی موجود (رسمی، پهنای، قراردادی، مشمول قانون تعین تکلیف) در این طرح توجه گردد.
- 6- به پرداخت مسجون و به جرم جرم تیروری خرید خدمات آموزشی مطابق با بند ۲ شیوه نامه پوشش تکلیف می گردد.
- 7- به کارگزار موظف به استفاده و کارگزار تیروری خرید خدمات آموزشی به صورت تمام وقت (۲۴ ساعتی) می باشد.
- 8- پس از ساماندهی تیروری استانی در شروع سال تحصیلی همچون در فرآیند در اعداد قلمرو شده و اعتبارات لازم ثابت خرید خدمات آموزشی صورت نخواهد گرفت.
- 9- متوجه و رسمی آموزش و پرورش نواحی و مناطق و معیاری مدارس دولتی، حق حضور هر نوع گروهی از جمله گروهی اشتغال با تفریحی، گروهی کارکنان تیروری آموزشی و ... برای تیروری خرید خدمات آموزشی را ندارد.
- 10- مسئولیت نظارت بر حسن اجرای این شیوه نامه در سطح منطقه انحصار با مدیران این منطقه انحصار می باشد.

مدیر کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی
از طرف کانونی پهنای
معاون پژوهش، برنامه ریزی و توسعه منابع

جمعی از نیروهای خرید خدمات